

فهرست نویسی پیش از انتشار

سرشناسه	جلالی، هاله، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور	وقتی در تو دویدم ماه هم به من نرسید / هاله جلالی
مشخصات نشر	تهران: سمر، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	۹۶ ص. ۱۷ x ۱۱ س. م.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۶۵۰۸-۷۹-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	شعر فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره	۷۱۳۹۲ و ۷۱۳۵۵ / PIR ۸۰۰۳
رده بندی دیویدی	۸۶۱ / ۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۳۲۰۴۸۱۲



مرکز نشر سمر

تهران، خیابان استاد مطهری، ابتدای خیابان

ترکمنستان، شماره ۴۲، واحد ۸

کد پستی: ۱۵۶۶۸۵۶۱۱۳

تلفن: ۸۸ ۴۳ ۵۲ ۱۶ / ۸۸ ۴۳ ۵۲ ۱۷

پست الکترونیک: samargraphix@gmail.com

وقتی در تو دویدم، ماه هم به من نرسید

سروده‌ی هاله جلالی

طراحی جلد: امیر شاهرخ فریوسفی

حروف نگاری و صفحه آرایی: مرکز نشر سمر

چاپ نخست: تابستان ۱۳۹۲ / شمارگان: ۵۰۰ جلد

لیتوگرافی: نقش سبز / چاپ و صحافی: نقش نزار

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۵۰۸-۷۹-۸

حق چاپ محفوظ است

قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

Price: £ 5.00

خاکسترم را به باد می دهد. بذر می شوم. باد همه را می پراکند.
پراکنده هایم با اولین باران دوباره نو می شود، گل می کند، لاله
می شود، نهال می شود، قدمی کشد، گاه چنان که سرو، گاه همچون
مجنون بید.

به زمستان گاهی بود که سفر کردم؛ سفری دور و دیرپا، از خودم
به خودم. از منم به خویشمن. چه، که به گاه سرما و زمستان سفر
آغاز کنی و هر چند هم که بهارها و تابستان ها باز بیایند و بروند، تا
که از درون گرم نشوی، فصل ها همه سردند و یخ بسته.
در این غربتم به تماشا نشستم. هزار آینه آوردم و سو به سواز
خویشتم آینه تالاری ساختم. چه هزارتوی بی پایانی است. چه
تنهایی ژرفی است. و هنوز هم شعر است که درمان سرما و
بی خوابی است. هنوز هم شعر است که بوی آشای فصلی نور را
ارمغانم می دهد.

و اینک بهار، بهاری از خواستن ها و آرزو بیدارم می کند، بیرونم
می کشد از تالار آینه، از هزارتوی زمستانی غربت. و شعر آشتی
می دهد تمام فصل ها را در من.

و این منم! شاید شعری ام که به قواره انسان در آمده، همراه با
عطر زن. این منم، شعری زنانه، از غوغای معاصر تاریخ انسان.

هاله جلالی

اردیبهشت ۱۳۹۲

مقدمه

دشوارتر از نوشتن یک کتاب، نوشتن مقدمه آن است، به ویژه هنگامی که شاعر نباشی و قرار باشد بر کتاب شعری مقدمه بنویسی. باید شاعر بود یا غرق شعر بود تا بتوان شور شاعر را هنگام سرودن دریافت. برداشت ما از یک شعر، تنها تلاشی برای نزدیک شدن به شاعر از روی کلام اوست که بر صفحه کاغذ جاری شده. شعر حسی است برآمده از درون و برگرفته از محیط و شرایط لحظه آفرینش کلام، و شاعر، در آشوبی درونی و با الهام از درون و تأثیر گرفته از برون، شیدایی، سرگستگی، شادی و دیگر شورهای آن دم را در قالب کلام می‌ریزد. کلامی که به یقین در لحظه‌ای دیگر نمی‌تواند به بیان آید. کلام و واژگان شاعر و توان او در انتقال حس و شور زمان سرودن، ارتباط مخاطب را با وی برقرار می‌کند تا حسی مشترک از مفهومی که به شعر آمده را در خود ایجاد کند و بهر اند و این کار بسیار دشوار است مگر در کلامی شورانگیز و شیوا که بر دل بنشیند.

"هاله جلالی" شاعر لحظه‌ها و حس‌هاست. شاعر نازک‌خالی‌های ملموس و آشنا. چیدمان واژه‌ها و مفاهیم شعرهایش، گاه مخاطب را به حال و هوای شعرهای سهراب می‌برد اما شاعر در بیشتر شعرها، سبک خود را دنبال می‌کند. کلام در شعر شاعر بسیار شیواست و نثری است که با ظرافت به نظم کشیده شده. واژه‌ها با پیچیده‌دستی در کنار هم چیده می‌شوند و صفت‌ها و استعاره‌های آشکار و ترکیب‌های پرمعنا و نشاط‌برانگیزی را می‌آفرینند که شنیدن و خواندن آنها حس دل‌انگیزی به مخاطب می‌دهد. "هوای آینه"، "پهنای مزرعه"، "بحال مدام"، "صبح رستن"، "عابر لحظه‌های ناب"، "پنجره‌ای که به دریا ملتمس است"، "دختران نور" و مانند اینها در جای جای شعرها به زیبایی گنجانده شده‌اند.

صحنه‌ها در شعر به‌گونه‌ای توصیف و آراسته می‌شوند که مخاطب، تصویری ملموس و روشن و آشکار از فضای شعر را جلوی چشمان خود می‌بیند و این توصیف مکان و زمان، هنر شاعر و برگرفته از تخصص او در تئاتر است. استفاده از فضا و واژگان مکانی برای مفاهیم و حس‌ها، آنها را زیبا می‌کند که نمونه‌های بدیع آنها را می‌توان در شعرهای "شیدایی سالخورده"، "فرصت رویش"، "توبت رازقی"، "کوچ بوسه‌ها" و بسیاری دیگر یافت.

در شعرهای این کتاب، امید موج می‌زند و جاری بودن عشق و سوداهای برخاسته از آن را در "بارش باران"، "وزش باد و نسیم"، "طلوع"، "کوچ جان"، "سیر تا بارگاه روشن خدا"، "هجرت از

لحظه‌های هیچ و حتی در "سکوت" می‌توان دید و البته بایونه و یاس و رازقی و شقایق و نسترن که زندگی، شور عشق، راز و سپیدی می‌پراکنند.

تمام فصل‌ها در شعرهایش، نشان گذاشتن و نماندن دارند برای زندگی و زنده ماندن، و حتی مرگ هم مفهوم میرایی ندارد. مفاهیم گسترده می‌شوند بیش از آنچه در تصور ماست و به کلام، وسعت و معنایی تازه می‌دهند.

در پایان! در شعرهای این کتاب، به شیوه‌ها و بیان‌های دلنشین و گوناگون، "شکوفایی"، "حس عاشقی"، "طعم زندگی"، "تجسم رویا"، "بارش امید"، "آرامش و امنیت"، و "سرمستی‌های بی‌دلیل بی‌بدیل" را با کلامی زنانه، اما بدون شکوه و شکایت خواهید خواند و جاری بودن عشق را حس خواهید کرد.

سروش مدبری